

دو فصلنامه ادیان و عرفان تطبیقی  
سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (صص ۴۲-۲۳)

## سیر تطور طریقت اویسیه از گذشته تا امروز

دکتر سیده فاطمه زارع حسینی<sup>۱</sup> - هانیه غلامی<sup>۲</sup>

### چکیده:

در تاریخ تصوف دو گروه به نام "اویسیه" شهرت یافته‌اند که هم از حیث زمان و هم از حیث مبانی، باورها و سلویشان تفاوت‌هایی جدی و قابل توجه با یکدیگر دارند و می‌توان آنها را به "اویسیه ی قدیم" و "اویسیه ی جدید" نام‌گذاری کرد. در "اویسیه ی قدیم"، سالک "اویسی" با تأسی از سرگذشت اویس قرنی، و بدون سرسپردگی به شیخی زنده، از طریق ارتباط روحی و معنوی با پیامبر اکرم (ص) یا با توسل به شیخی که هرگز ندیده بود یا در قید حیات نبود، سلوک می‌کرد. ولی "اویسیه ی جدید" یک طریقت شیعی نسبتاً نوپدید در ایران است که حدود صد سال پیش توسط جلال‌الدین میرابوالفضل عنقا پایه‌گذاری شد و تا به امروز در آنجا با قطبیت نادرعلی عنقا به حیات و تبلیغات خود ادامه می‌دهد. این طریقه را با توجه به تنوع و گاه تناقض آراء و تعالیم بزرگان، می‌توان طریقه‌ای التقاطی و آمیزه‌ای از مباحث عرفانی، مطالب علمی (به‌ویژه مباحث مربوط به فیزیک، روان‌شناسی و انواع شاخه‌های آن)، جادو، احضار روح و ... دانست. در این جستار برآنیم تا با مطالعه و ارجاع به آثار این گروه و سایر منابع مرتبط، ضمن معرفی مختصری از اویسیه جدید اظهارات و مدعیات آنان را مورد بررسی و نقد قرار دهیم.

**واژگان کلیدی:** طریقت اویسیه، اویس قرنی، اویسیه قدیم، اویسیه جدید، جلال‌الدین عنقا، نادرعلی عنقا.

zareh-h@um.ac.ir  
hanigholmi@gmail.com

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد  
<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد ادیان و عرفان

تاریخ تصویب مقاله: ۹۷/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۵/۶

**مقدمه :**

یکی از طریقه‌های مشهور و متفاوت در تاریخ تصوّف و عرفان اسلامی، "طریقت اوئسیه" است که نوع سلوک سالکان آن با دیگر سلسله‌های عرفانی متفاوت بوده است. پیروان این طریقت-که با توجّه به قدمتشان در تاریخ تصوّف، در این گفتار آنان را "اوئسیه قدیم" خوانده‌ایم-مدّعی بودند که بی‌مدد حضور شیخ و با استمداد از حضرت رسول (ص) یا پیری که در دسترس آنان نیست، طی طریق می‌کنند و از تجربه اوئس قرنی در اشتیاق به زیارت رسول‌الله (ص) و سفرش از یمن به مدینه و ارشاد و هدایت او توسط روحانیت و معنویت حضرت الگو پذیرفته‌اند. در عصر حاضر نیز عدّه‌ای با نام این طریقت موسوم به "طریقه اوئسیه شاه‌مقصودیه" در آمریکا فعالیت و تبلیغ می‌کنند و به عنوان یکی از گروه‌های زنده و فعال تصوّف شناخته شده‌اند که در این جستار به "اوئسیه ی جدید" نامبردار گشته‌اند. به این ترتیب، اوئسیه را می‌توان در دو دسته "اوئسیه قدیم" و "اوئسیه جدید" بررسی کرد. برآنیم تا با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اینترنتی، ضمن مروری مختصر بر اوئسیه قدیم، به معرفی و بررسی اوئسیه جدید بپردازیم، تاریخچه ی پیدایش و سیر فعالیت آن در داخل و خارج ایران را پی بگیریم و برخی از موضوعات مربوط به آنان را مورد کنکاش قرار دهیم.

**پیشینه تحقیق**

در برخی از تذکره‌های صوفیان در باب طریقت اوئسیه اشاراتی پراکنده آمده است. در مورد اوئسیه قدیم می‌توان به کلام عطار در تذکره الاولیاد باب ابوالحسن خرقانی به عنوان نمونه‌ای از سالکان اوئسیه اشاره کرد (عطار، ۱۳۷۷: ۶۶۱-۶۶۲). جامی نیز در نفحات‌الانس (جامی، ۱۳۷۰: ۳۰۳) ابوالحسن خرقانی را تحت تربیت روحانی شیخ ابویزید از عارفان اوئسی دانسته است. اما جامع‌ترین اثر در این زمینه را می‌توان تذکره بغراخانی دانست که در سده دهم ق توسط مؤلفی ناشناس جمع‌آوری شده است. این کتاب شرح احوال و کرامات سی تن از کسانی است که به طریقه اوئسیه سلوک کرده‌اند و نام چند زن نیز در میان آنها دیده می‌شود. در این کتاب از احوال سالکان اوئسی سخن به میان آمده و خوارق عاداتی به آنها نسبت داده شده است. همینطور در سلسله‌های صوفیه در ایران (مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۲: ۲۴۶) در باب اوئسیه قدیم اشاراتی انتقادآمیز آمده است. اما راجع به طریقه امروزین اوئسیه که در این پژوهش به "اوئسیه جدید" موسوم شده و به طریقه شاه‌مقصودی اوئسی معروف است، مطالبی پراکنده و گاه مغرضانه و جانبدارانه به چشم می‌خورد و در بعضی از منابع نگاهی منفی و

انکار آمیز به اویسیه جدید دیده می‌شود، از جمله، در کتاب فرقه اویسیه در تصوف (علیرضا علوی طباطبایی، ۱۳۸۶: سرتاسر کتاب) درباره اویسیه جدید، که معرفی جامع و کاملی از اویسیه جدید ارائه نشده و برخی از موارد مربوط به آنها مغفول مانده است و بیشتر صبغه ردیه دارد. سید حسین نصر نیز در «جلوه‌های معنویت در جهان اسلام» اشاراتی به این طریقه دارد و بیان می‌کند که در اوایل قرن حاضر در ایران، یک اویسی مشهور به نام قطب‌الدین محمد عنقا ظاهر شد که نویسنده چند اثر شناخته شده است و به دور او حلقه مهمی از اساتید صوفیه گرد آمدند (نصر، ۱۳۹۲: ۴۲۲). همچنین محمدقادر باقری نمینی در کتابی به نام تذکره اقطاب اویسی (تهران: امین، ۱۳۵۳) در چهار جلد به معرفی مشایخی که به طور کلی در تاریخ به اویسی شهرت یافته‌اند و در اینجا به نام برخی از آنها اشاره خواهد شد؛ پرداخته است. از این رو، در این گفتار کوشش شده است تا بعد از مروری بر اویسیه قدیم، آگاهی‌هایی به نسبت تازه درباره این طریقه نوپدید مطرح گردد و گزارشی اجمالی و انتقادی از پیران این طریقه، عقاید، شجره‌نامه، آثار مکتوب و فعالیت‌های کنونی شان در عصر حاضر ارائه گردد.

### سوالات تحقیق

در خصوص اویسیه چند پرسش قابل طرح است: طریقت اویسیه چیست؟ آیا اویسیه را می‌توان طریقه‌ای همچون سایر طریقه‌های تصوف دانست؟ اویسیه جدید چگونه پدید آمد و در حال حاضر چه جایگاهی دارد؟ ربط و نسبت اویسیه جدید و قدیم چگونه است و آیا می‌توان آنها را از اویسیه قدیم جدا دانست؟ در ادامه سخن، نخست مروری گذرا بر اویسیه قدیم خواهیم داشت. سپس با استفاده از آثار اویسیه جدید و دیگر منابع مرتبط، به معرفی و بررسی عملکرد و اصالت آن خواهیم پرداخت.

### اویسیه قدیم

پیدایش و تاریخچه مفهوم اویسی: اویسیه نام یکی از طریقه‌های صوفیه در سده‌های ششم و هفتم هجری است و به آن دسته از صوفیان که در سلوک به شیخ و پیری معین و مستقیم انتساب نداشتند و با توسل به روحانیت رسول اکرم (ص) منازل سلوک را طی می‌کردند و بدون واسطه، به امداد روحانی نبی پرورش می‌یافتند، اطلاق می‌شد (داراشکوه، ۱۳۴۴: ۲۹-۳۰؛ Trimmingham, 1973: 12-13). عطار (۱۳۷۷: ۲۸-۲۹) و جامی (۱۳۷۰: ۳۰۴) بالاتفاق، سالکی را اویسی نامیده‌اند که از روحانیت یکی از مشایخ و اقطاب گذشته بهره جوید. عطار در تذکره الاولیاء اویسیان را چنین توصیف می‌کند: «بدان که

قومی باشد که ایشان را اویسیان گویند که ایشان را به پیر حاجت نبود که ایشان را نبوت در حجر خود پرورش دهد، بی‌واسطه‌ی غیرى چنان که اویس را داد، اگرچه به ظاهر خواجه‌انبیاء (ص) را ندید، اما پرورش از وی می‌یافت. از نبوت می‌پرورد و با حقیقت هم‌نفس بود و این مقام عظیم و عالی است تا که را آنجا رسانند و این دولت روی به که نهد؟» (عطار، ۱۳۷۷: ۲۸-۲۹). اویسی‌ها معمولاً دارای پیری با جنبه‌ی انسانی نیستند، بلکه می‌گویند تشرّف و ارشاد خود را از «عالم غیب» به‌ویژه از خضر (که در نبی یا ولی بودنش اختلاف است)، پیامبر اسرارآمیز طریقت باطنی دریافت می‌کنند که در قرآن (کهف: ۶۵-۸۲) هم از او یاد شده است. در سراسر تاریخ اسلام، صوفیانی از شاخه‌ی اویسی، از جمله، برخی از اولیاء و حکمای بزرگ، به علت تشرّف خود که مبتنی بر انتقال منظم و سلسله‌وار نبود، سلسله‌قاعده‌مند صوفیه تأسیس نکردند (نصر، ۱۳۹۲: ۴۲۲) و از طریق ارتباط روحانی و معنوی با مشایخ متوقّی یا خضر یا پیامبر اکرم (ص) طی طریق می‌کردند. این طریقه در تاریخ تصوّف به اویس قرنی منسوب است و سلسله‌ی آن از طریق اویس قرنی به علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) و سپس به حضرت رسول (ص) می‌رسد (گولپینارلی، ۱۳۷۸: ۲۷۸). اویس قرنی (م. ۳۷ ق) به شوق دیدار پیامبر اکرم (ص) و با اجازه‌ی مادر از یمن به مدینه آمد، اما توفیق دیدار نیافت و به دلیل تعهد به مادر درباره‌ی بازگشت زودهنگام، به یمن بازگشت. پیامبر اکرم (ص) پس از مراجعت به مدینه او را توصیف و تمجید، و به خطاب «نفس الرحمان»، لقب «خیر التابعین» و «خلیل من» مشرف ساخت (علوی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۸) و فرمود که وی برای اهل زمین ناشناخته و نزد اهل آسمان مشهور (اصفهانی، ۸۱) و شفاعتش در حق امت بی‌اندازه است (نیشابوری، ۱۳۴۳: ۴۷). رسول اکرم (ص) از صحابه‌ی خود خواست که سلام ایشان را به وی برسانند و از او برای امتش طلب دعا نمایند. پس از رحلت پیامبر (ص)، اویس مورد تکریم عمر بن خطاب در مکه قرار می‌گیرد و پس از آن که در بازگشت به یمن در آنجا اقبال و احترام مردم به خود را سدی بزرگ می‌بیند، از شهرت و توجه اهل دنیا به کوفه می‌گریزد (هجویری، ۱۳۸۴: ۱۲۶). وی را در زمره‌ی عقلاء‌المجانین و حتی نخستین مجنون در اسلام و صاحب فراست و کرامت (نیشابوری، ۴۴-۴۶) شمرده‌اند (ابرقوهی، ۱۳۶۴: ۴۶۶). دیگر از او اثری نمی‌بینیم تا این که در جنگ صفین در رکاب امیرالمؤمنین و به قولی در نبرد نهانند به شهادت می‌رسد (نیشابوری، ۱۳۴۳: ۴۵، ۴۸). گویند پس از مرگش (۳۷ ق) توسط روح مطهّر پیامبر (ص) وارد طریقت می‌شود (Trimingham, 1973: 12).

ارتباط معنوی و باطنی اویس قرنی با محبوب آسمانی‌اش حضرت محمد (ص) روشی در فیض‌یابی و کسب معرفت و راهی جهت رسیدن به کمال در دین اسلام به وجود آورد که بیشتر مورد توجه و

استفاده صوفیه قرار گرفت و صوفیان با اشاره‌هایی مفصل به احوال اویس قرنی آبرویی معنوی به آثار خود بخشیدند (اصفهانی، ۱۳۵۱ ق: ۲ / ۷۹-۸۷). هرچند کم پیش می‌آمد که بعضی از مشایخ صوفی خویشتن را مؤید به برکات روحانی مشایخ گذشته بشمرند و به اصطلاح، خود را اویسی قرنی، مانند اویس قرنی که صحبت پیغمبر را درک نکرده بود، بپندارند (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۷۸). در واقع، قاطبه صوفیان با توجه به اهمیت ارشاد زیر نظر شیخی زنده و شایسته، خود را به شیخی منتسب می‌کردند و با نظارت و هدایت او راه سلوک می‌پیمودند.

### اشخاص معروف به اویسیه

به عنوان بارزترین نمونه، می‌توان از شیخ ابوالحسن خرقانی یاد نمود که از بایزید بسطامی (که با او حدود دویست سال فاصله زمانی داشته) مدد می‌جسته است. جالب آن که مدت‌ها پیش از تولد خرقانی، بایزید از ظهور او خبر داده است: «نقل است که بایزید هر سال یک نوبت به زیارت دهستان شدی که سر ریگ آنجا قبور شهداست. چون بر خرقان گذر کردی، بایستادی و نفس برکشیدی. مریدان از وی سؤال کردند که شیخا! ما هیچ بوی نمی‌شنویم.

گفت: آری! که از این دیه دزدان بوی مردی می‌شنوم؛ مردی بود نام او علی و کنیه او ابوالحسن، به درجه از من پیش بود، بار عیال کشد، کشت کند و درخت نشاند» (عطّار، ۱۳۷۷: ۶۶۱). از طرفی، شیخ ابوالحسن خرقانی نیز همیشه در برابر بایزید، یا بهتر است بگوییم در مقابل نام بایزید خاکسار بوده است (عطّار نیشابوری، ۱۳۷۷: ۶۶۱-۶۶۲). در جایی دیگر، انتساب شیخ ابوالحسن به بایزید بسطامی و تربیت یافتن وی در سلوک از روحانیت بایزید تکرار شده است (جامی، ۱۳۷۰: ۳۰۳). جالب آن که خرقانی مورد توجه پیرانی بزرگ چون ابوسعید، خواجه عبدالله انصاری، و قشیری نیز واقع شده و از الهامات و سخنان او در حالت انبساط بسیار نقل شده است. از او نقل کرده‌اند که «به خواب دیدم من و بایزید و اویس قرنی در یک کفن بودمی» (عطّار نیشابوری، ۱۳۷۷: ۶۸۵). به نظر عده‌ای، گمان می‌رود که این گونه سخنان او ناظر به طریقه اویسیه است و این تلقی را پیش می‌آورد که او خود ترجیح می‌داده است در طریقت همانند اویس عمل کند و از همین رو، مرید شیخ بسطام است، با آنکه بایزید سالها قبل از او از دنیا رفته است.

ناگفته نماند که در این مسیر عده‌ای دچار افراط و انجام اعمال نامعقول شده‌اند، از جمله در افغانستان یک طایفه به نام اویسی تمام دندان‌های خود را به تبعیت از افتادن دندان پیامبر در جنگ احد می‌کشیدند (مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۲: ۴۲۶) و برخی به تبعیت از اویس یک دندان خود را در می‌آوردند (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۱: ۴۲۸). با این حال، طبق اعتقادات خود صوفیان نمی‌توان راه و رسم اویس را طریقتی از صوفیه دانست؛ زیرا دریافت خرقة از شیخ از شرایط مراد بودن در صوفیه است؛ در حالی که طبق نقل تذکره‌الاولیاء، به دریافت مرقع پیامبر (ص) توسط اویس اشاره شده، ولی از آن به عنوان خرقة یاد نشده است (عطار نیشابوری، ۱۳۷۷: ۱۸-۲۲). با این حال، الگوگیری از نحوه سلوک اویس قابل ردّ و اغماض نیست. ضمن این که طریقه اویسیه به چند نفر یا چند سالک خاص محدود نمی‌شود. برای مثال، در شبه‌قاره هند، در سلسله چشتیه آن گاه که پیر (پیر دلیل) یافت نمی‌شد، سالک چشتی پس از غسل توبه، غسل اویسی می‌کرد، به روح اویس قرنی فاتحه می‌خواند و به می‌پرداخت. به خاطر این روش در سلوک سلسله چشتیه بوده است که برخی از شعب آن سلسله به نام‌های سلسله اویسیه، رسول‌نمائی (منسوب به سید حسن رسول‌نما) و سلسله اویسیه صابریه (منسوب به صابر چشتی) نامیده شده‌اند (صابری، ۱۹۷۱: ۲۰۵-۲۰۷). در میان پیروان شیخ احمد جام ژنده‌پیل نیز صوفیانی بوده‌اند که به داشتن مشرب اویسی مشهور بودند (بهدادنی، ۱۳۷۸: ۵۱۲). به این ترتیب، اویسی نام طریقتی، خانقاه، پیر دلیل و پیر طریقت ندارد و خود هیچ گاه گرد داعیه ارشاد نمی‌گردد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۱: ۴۲۸).

### اویسیه جدید

از نزدیک به صد سال قبل تا کنون، گروهی در ایران خود را نماینده طریقت اویسیه دانسته و مدّعی تبلیغ اسلام و هدایت پیروانشان بوده‌اند. این گروه که به ترتیب ابوالفضل عنقا، محمد عنقا، صادق عنقا و نادرعلی عنقا را قطب طریقت خود دانسته‌اند، از طریق مکتوب کردن افکار و انتشار تعالیم و عقاید خویش در قالب آثاری متعدّد-که اغلب در مؤسسه انتشاراتی "مکتب طریقت اویسی شاه-مقصودی" که خود صاحب‌امتیاز آن بوده‌اند، چاپ شده‌اند، توانستند خود و طریقه خود را معرفی، و پیروانی جذب نمایند. از نکات جالب این گروه آن که مدّعی شده‌اند که از نوادگان سلطان حسین صفوی هستند و از این طریق خود را به صفی‌الدین اردبیلی و در نهایت، به امام موسی کاظم (ع)

می‌رسانند و در طریقت نیز خود را به سید محمد نوریخس منسوب می‌کنند و سلسله‌شان را به امیرالمؤمنین می‌رسانند (عنقا، ۱۳۴۳: ۶). این طریقه از آنجا حائز اهمیت است که نشان‌دهنده تغییر شکل معنویت سنتی اویسی است؛ یعنی معنویت اویسی که مبتنی بر ارشاد از بالا توسط "رجال الغیب" بود، به یک سلسله صوفی قاعده‌مندی تبدیل شد که گرد پیری با جنبه انسانی شکل گرفت (نصر، ۱۳۹۲: ۴۲۳).

طریقه اویسیه که در آغاز سده بیستم میلادی از ذهبیه نشأت یافت و به دست خاندان عنقا بنا شد، جایگاه مهمی به شهود قلبی در سلوک معنوی اختصاص داد (Amir Moezzi, p. 357). نماد و شعار آنان "علیک بقلبک" است؛ عبارت موجز و دقیقی که به اویس قرنی نسبت می‌دهند. این عبارت کلیشه‌ای تقریباً به صورت "وظیفه قلب تست که مواظب قلبت باشی" ترجمه شده است (Amir Moezzi, p. 357). این طریقه در عین حفظ ابعاد فنی، زمانی از یکی از مریدان خواست تا کتابی درباره اشارات به رؤیاهای قلبی در متون مقدس یهودی، مسیحی و اسلام و متون صوفیانه، به‌ویژه آثار مشایخ این طریقه همچون جلال‌الدین علی میرابوالفضل عنقا (م. ۱۳۲۳ش / ۱۹۰۵)، میر قطب‌الدین محمد عنقا (م. ۱۹۶۲) و شاه‌مقصود عنقا (م. ۱۹۸۶) به چاپ برساند. از نظر این طریقه، نور قلب، امام درونی عارف تلقی شده است. تشخیص و شهود این امام و اطاعت از آن تضمین‌کننده پیشرفت در طریق معنوی است (Amir Moezzi, pp. 357-358). همچنین عمل تمرکز بر هفت مرکز نامحسوس و ظریف قلب در میان اویسیان وجود دارد. با این حال، قطب پیشین طریقه، محمدصادق عنقا ملقب به "شاه‌مقصود"، تمرکز بر چکره‌های یوگا را نیز تعلیم می‌داده است (عنقا، محمدصادق، ۱۳۵۹، زوایای مخفی حیات: ۴۵ به بعد؛ Amir Moezzi, pp. 358).

### جلال‌الدین علی میرزا ابوالفضل عنقا (۱۲۶۶-۱۳۲۳ ق)

جلال‌الدین علی میرزا ابوالفضل عنقا فرزند علی بن هاشم کرکبودی طالقانی متخلص به "عنقا" احیاگر سلسله عرفانی اویسیه و بزرگ‌خاندان عنقا است. طبق کرسی‌نامه‌ای که خود را بدان منسوب کرده‌اند، جلال‌الدین عنقا سی و نهمین استاد طریقت اویسیه است. او تحصیلات اولیه خود را در شهر قزوین گذراند. جلال‌الدین در همان شهر در کنار تعلیم نزد پدر، در حوزه درس سید رضی حکیم‌اللهی، حکمت و کلام آموخت. آقا سید علی، صاحب حاشیه بر قوانین‌الاصول، شیخ محمد صادق برغانی و

آخوند ملا علی نقی خیارچی قزوینی استادان او در فقه و اصول بودند. میرزا ابوالفضل در نوزده سالگی (۱۲۸۴ق) رخت اقامت به تهران کشید تا به خوشه‌چینی از خرمن معارف اساتید بزرگی چون آقا علی زُنوزی (مشهور به مدرس)، حاج ملا هادی مدرس (شاگرد صاحب جواهر) و آقا سید علی قزوینی در زمینه‌های حکمت و کلام، فقه، اصول، علم نقطه و اسرار حروف و ریاضیات بپردازد؛ با این تفاوت که او در تهران دیگر فقط شاگرد نبود، بلکه به تدریس علوم متداول آن روزگار هم همت گماشته بود. عنقا که در ایام شباب تحت تأثیر دایی‌اش سید حسین قریشی ذهبی با عرفا و صوفیه آشنایی یافته بود، در کسوت روحانیت به محفل عرفانی شیخ محمد جاسبی (متخلص به فنا) پیوست. دیدار عبدالقادر جهرمی از پیران و بزرگان متصوفه یکباره عنقا را به کناره‌گیری از خلق و ترک غوغای تدریس علوم رسمی واداشت (معصوم علیشاه، ۱۳۴۵: ۵/۵۸۵؛ مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۱: ۴۳۳؛ عسگری، ۱۳۸۴: ۱۱/۵۰۵-۵۰۶). در این باره آمده است: «روزی پیر عبدالقادر به مجلس درس عنقا درآمد و از او پرسید: چه درس می‌گویی؟ عنقا گفت: نحو. عبدالقادر پرسید: آیا علم محو هم می‌دانی؟» و بی‌آنکه منتظر پاسخ عنقا بماند، از مجلس درس او خارج شد. درست پس از این دیدار بود که عنقا یکسره دگرگون شد و دل خویش را سراپردهٔ محبت او کرد. عنقا پس از درگذشت عبدالقادر (۱۳۰۲ ق) به احیای سلسلهٔ عرفانی اویسیه پرداخت (عسگری، ۱۳۸۴: ۱۱/۵۰۵-۵۰۶) و سرانجام در ۶۷ سالگی در تهران به دیار باقی شتافت و در مقبرهٔ ابن بابویه در جوار آرامگاه شیخ صدوق به خاک سپرده شد (عسگری، ۱۱/۵۰۵-۵۰۶). کریم کسروی (متخلص به وجدی) که شرح شجرهٔ عنقا را به نظم درآورده است، بر این باور است که عنقا با چهل واسطه فرزند امام موسی کاظم (ع) است؛ هرچند در این سلسله جز شیخ شاه علی سیاه‌پوش همه ملبس به جامه و عمامهٔ سفید بوده‌اند؛ ولی علی عنقا (برادر صادق عنقا و مخالف او) منکر این مطلب شده است. میرزا ابوالفضل آثاری به نظم (از قبیل حقایق المناقب، انوار قلوب السالکین، مثنوی آیین جهانبانی در آیین جهانداری و ...) و آثاری منثور (مانند عقاید حقه در اثبات اصول دین و مذهب، رسالهٔ اثبات نبوت و ولایت خاصه، رساله در بیان اسرار حروف، رسالهٔ صحو و ...) از خود به جای گذاشته است. آرامگاه وی و پسرش محمد عنقا در آرامستان ابن بابویه در سال ۱۳۴۱ به دستور صادق عنقا آیینه‌کاری شده (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۱: ۴۳۲) و به مقبره‌ای محترم برای پیروان آن‌ها درآمده بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این مقبره تخریب شد، ولی مقبرایشان بدون اثری از نام آنها باقی‌مانده است. با این همه، آثار قبرستان خانوادگی آنان در ابن بابویه همچنان به چشم می‌خورد.



**محمد عنقا (طالقانی) (۱۲۶۶-۱۳۴۱ ش)**

بعد از جلال‌الدین علی میرزا ابوالفضل، پسرش محمد عنقا ملقب به میرقطب‌الدین محمد عنقا (متولد تهران) به عنوان چهلمین استاد طریقه راه پدر را ادامه داد و در سال ۱۳۴۱ شدر سن ۷۵ سالگی از دنیا رفت. او مقدمات علوم را نزد پدرش فراگرفت و سپس در مدرسه شرف زیر نظر علی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء و میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله (منجم و ریاضیدان) به تحصیل ادامه داد. پس از آن، در مدرسه دارالفنون و خارج از دارالفنون، به کسب علوم به‌ویژه علوم غریبه پرداخت و اسرار و اصول تصوف و عرفان را از محمد حکیمان رحمت‌علی‌شاه، مطهرعلی‌شاه (سرسلسله خاکسار جلالی)، عباسعلی کیوان قزوینی و پدرش آموخت. تا اوایل مشروطیت، مدتی کاتب دفتر حکومت تهران و بعد از آن، چند سالی رئیس کتابخانه و دبیرخانه مجلس شورای ملی گردید. وی علاوه بر ارتباط با سلسله‌های مختلف تهران، با انجمن روحی تهران نیز مراوده داشته، و به گفته مدرس چهاردهی، مبتلا به تدخین تریاک بوده است. محمد عنقا در جوار آرامگاه پدرش در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد. دو اثر مهم و مشهور او عبارتند از: پدیده فکر و از جنین تا جنان که به همت فرزندش صادق عنقا در تهران به چاپ رسیده و به زبان فرانسه ترجمه شده است. افزون بر اینها، دیوان غزلیات و آثاری در زمینه علوم غریبه، هیپنوتیزم، کف‌بینی و قیافه‌شناسی نیز دارد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۱: ۴۳۲-۴۳۴؛ عسگری، ۱۳۸۴: ۱۱/۵۰۷). کرسی‌نامه محمد عنقا که در انوار قلوب السالکین (میرابوالفضل عنقا، ۱۳۴۳: ۵۶) آمده، بدین شرح است:

میرقطب‌الدین محمد عنقا-جلال‌الدین میرابوالفضل عنقا، آقا عبدالقادر جهرمی، حاج محمد حسن نائینی (کوزه‌کنانی)، حاج عبدالوهاب نائینی، میرشمس‌الدین محمد (پیر اویسی)، میرمحمدعلی (پیراویسی)، میرمحمدتقی شاهی سبزواری، میرمحمد مؤمن سدیری سبزواری، درویش محمد کارندهی، درویش محمدرضا سدیری، درویش حسن سدیری، درویش ملک‌علی جوینی، درویش محمد سبزواری، شیخ کمال‌الدین جوینی، حاج حسین ابرقوئی جان‌بخش، شاه‌قاسم فیض‌بخش و غوث اعظم سید محمد نوربخش (سلسله کبرویه- اویسیه). در این کرسی‌نامه، جلال‌الدین میرابوالفضل عنقا از بزرگان سلسله ذهبیه و نعمت‌الهی نیز خرقه گرفته است. ادامه اقطاب اویسیه تا امیرالمؤمنین (ع) به شرح زیر است:

سید احمد ختلانی، میر سیدعلی همدانی، محمد مزدقانی، علاءالدوله سمناهی، عبدالرحمن اسفراینی، احمد ذاکر جوزجانی، رضی‌الدین علی لالا، نجم‌الدین کبری، روزبهان کبیر فارسی بقلی، شیخ ابوالفتح محمود الصابونی بیضاوی، حسن بصری، ابوالقاسم عبدالکریم بن علی بن سعد - ابواسحاق کازرونی، ابوعلی حسین بن محمد بن احمد، محمد بن خفیف شیرازی، ابو محمد جعفر حذاء - ابو عمر و ابورحیم اصطخری، ابوتراب نخشی، شقیق بلخی، ابراهیم ادهم، حبیب بن سلیم ابوموسی زید الراعی، سلمان فارسی و اوپس قرنی، ولی الاولیاء علی مرتضی (ع)، خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص) (باقری نمینی، ۱۳۵۳: ۱۸-۲۰).

### محمدصادق عنقا (۱۲۹۶-۱۳۶۲ ش)

محمدصادق عنقا ملقب به "شاهمقصود" فرزند محمد عنقا متولد تهران، و چهل و یکمین استاد مکتب اویسیه است که نزد پدرش تعلیم دید و با کسب لیسانس حقوق قضایی، کارمند وزارت اقتصاد و دارایی بود. وی در محضر آیت‌الله شیخ یحیی عبادی طالقانی (م. ۱۳۶۲ ش) فلسفه و عرفان آموخت. صادق عنقا در کنار برخورداری از ذوق ادبی از علوم دیگر چون ریاضیات و هندسه، روان‌شناسی، فلسفه و حکمت، علوم غریبه و طب قدیم نیز بی‌بهره نبود. آثار او را ده عنوان برشمرده‌اند که عبارتند از: مثنوی چنته، دیوان غزلیات، مزامیر حق، نیروان، عشق و سرنوشت و ... (عسگری، ۱۱/۵۰۶). وی در سال ۱۳۵۹ ش در شهر نواتو ایالت کالیفرنیا آمریکا از دنیا رفت و همان جا به خاک سپرده شد.

محمدصادق عنقا در اواخر حیات پدر داعیه ارشاد به هم زده و با برادر بزرگش علی عنقا بر سر جانشینی پدرش به نزاع پرداخت و خود را سید، و از اولاد سلاطین صفوی و قطب سلسله اویسی مطرح کرد و ادعای رجعت مسیح و (ع) مهدی موعود (عج) نمود. وی سلسله‌نسب خود را از یک طرف، به شیخ صفی‌الدین اردبیلی، و از جهتی، به سید محمد نوربخش و از سوی، به نورعلیشاه اول منتسب کرده است. وی لقب "شاهمقصود" بر خود نهاد و پسرش صلاح‌الدین علی نادر عنقا را به جانشینی خویش برگزید و آرم مخصوصی را که عبارت بود از دو هلال سر تبرزین که مقابل هم قرار گرفته است، برای خود انتخاب نمود. با آن که او نشان سیادت را عمائم سفید دانسته و اجدادش را جزء اقطاب اویسی و مجاز از سلاسل ذهبی و نعمت‌اللهی ذکر کرده، ولی علی عنقا طبق نامه‌ای ادعاهای صادق عنقا را انکار کرده است (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۱: ۷۰-۷۱؛ ۴۳۴-۴۳۸). از دیگر اقدامات محمدصادق

عنقا، نام‌گذاری سلسله صوفیانه خود به نام "سلسله الهیه ختمیه الهیه اویسیه خفیفه کبرویه نوربخشیه شاه مقصودیه" است و بدین معناست که سلسله‌ای به نام خویش ابداع کرده است. همچنین وی مدعی ارتباط با روح پدرش محمد عنقا از طریق میز گردان شده است (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۱: ۴۳۸).

### نادر علی عنقا

در حال حاضر، نادر علی عنقا فرزند صادق عنقا (۱۳۲۴ ش -) قطب فعلی اویسیه که خود را حضرت مولانا صلاح‌الدین نادر علی عنقا می‌نامد، به عنوان چهل و دومین قطب از اقطاب اویسی شاه مقصودی، در خارج از ایران زندگی می‌کند. پدرش شاه مقصود محمد صادق عنقا او را در زمان حیاتش به جانشینی انتخاب کرد. وی در اوایل انقلاب به آمریکا مهاجرت کرد و هم‌اکنون در آمریکا و اروپا و عده‌ای از شهرهای ایران فعالیت دارد. او کتبی از جمله صلح، سر سلوک و رازنامه‌ی چاپ رسانده است (www.adyanuniv.com).

### آثار، عقاید و فعالیت‌های اویسیه جدید

شایان ذکر است که این گروه پیش از انقلاب اسلامی ایران، صاحب امتیاز انتشاراتی در تهران به نام "مکتب طریقت اویسی شاه مقصودی" بوده‌اند که کتب فراوانی (از سال ۱۳۴۳) چاپ رسانده بودند و جالب آن که تا سال ۱۳۶۵ نیز در ایران فعال بودند. همه آن آثار، کتاب‌هایی در راستای عقاید این طایفه بوده یا اینکه به نحوی با ایشان مرتبط بوده است. از میان کتب مشهور این طایفه همچنین می‌توان به از جنین تا جنان اثر میرقطب‌الدین محمد عنقا اشاره کرد. در این کتاب که عده‌ای معتقدند فقط ترجمه‌ای از کتاب مؤلفی فرانسوی است، بخشی از اعتقادات و نگاه‌های فرقه اویسیه مطرح شده است. اگر با توجه به اسناد بپذیریم که این کتاب ترجمه کتابی دیگر است، باز هم بدین معناست که اعضای این گروه این افکار را پذیرفته و به خود نسبت داده‌اند. سید حسین نصر معتقد است که از جنین تا جنان یکی از پرطرفدارترین کتاب‌های میرقطب‌الدین محمد عنقا است که به سفر روح از مرحله جنینی تا بهشت می‌پردازد و یادآور می‌شود که این کتاب با عنوان Destination: Eternity, trans. N. Angha, San Raphael: Multidisciplinary publications, 1975 به زبان انگلیسی

بازگردانده شده است (نصر، ۱۳۹۲: ۴۲۲). برخی از دیدگاه‌های اویسیان جدید، در اثر معروف حمّدصادق عنقا، «اصول فقر و تصوّف» نیز آمده است (عنقا، محمّدصادق، ۱۳۶۵: ۶، ۱۲، ۲۵، ۳۸، ۵۷، ۷۶ و ۱۴۷). از دیگر کتب منسوب به محمّدصادق عنقا، پدیده‌های فکر است که در ابتدای آن به سخنان پروفیسور ویلیام ریورد براوندر مورد آن کتاب اشاره می‌کند. پروفیسور براون که تحصیلات و تحقیقاتش در زمینه فیزیک بوده است، در یکی از تحقیقات خود به واسطه یک مسلمان هندی، آیه ۴۴ سوره اسراء را می‌شنود و آن را پاسخ پروژه خود دانسته، مسلمان می‌شود. نویسنده اظهار می‌دارد که هدف معنوی روح این است که یک بار دیگر به قلمرو و محدوده پاکی و خلوص صعود کند. یکی از این مراحل، برگشت و رجعت است. برگشت به وضعیت اولیه که به واسطه ماندن روح در زمین مضمحل شده است (عنقا، محمّدصادق، بی‌تا: ۲۰). به گفته عنقا، علما تحقیقات خود را از طریق مطالعه اشیاء مادی و خصوصیات آن‌ها با ادراک ظاهر دنبال می‌کنند و تئوری‌های فلاسفه علم اخلاق هنگامی کامل خواهد شد که بر اساس کارها و آثار پیغمبران پایه‌گذاری شود. به عقیده وی، مکتبی که بخواهد به عنوان مدیوم این کار را انجام دهد، لازم است شکاف بین دنیای مادی و وسیع پیامبران را پر کند تا حیات مقصود حقیقی خود را عرضه نماید. عنقا ادعا می‌کند که در دو کتاب چنته: جهان عارف و پدیده‌های فکر، این مقصود و هدف را مشاهده کرده است (همان: ۲۳). از نگاه صادق عنقا، دنیا بافته شده از تار و پود شیطانی است. کهنگی عقاید زمینه مساعدی بر نشر خرافات و تعدی متجاوزان و متحجران به حقوق بشریت است. انسان واقعی به جنبه‌های تقلیدی اهمیت نمی‌دهد و تقوی و دانش خود را در قلب پوشیده و در نهایت سادگی زندگی می‌کند (عنقا: ۴۱).

### – کرامت و اظهار آن

موردی که در کتاب از جنین تا جنان بارها تکرار شده، بیان کرامات آنها و توجه ائمه اطهار (ع) به ایشان است؛ از جمله نویسنده اظهار می‌دارد که در بیداری، امام حسین (ع) را دیده و ایشان به او طوماری به نشانه آزادی عنایت کرده‌اند و در جایی دیگر، مدعی دریافت علوم غریبه از طریق معصوم (ع) شده است (عنقا، ۱۳۵۷: ۱۰-۱۱). در موردی دیگر، از فردی سخن می‌گوید که در حالت مراقبه پیش او آمده و از گذشته و آینده با او سخن گفته است (عنقا، محمد، ۱۳۶۱: ۱۳۵). این ادعا به اینجا ختم نمی‌شود و وی از خلع روح خود از بدن نیز سخن به میان می‌آورد (عنقا، ۱۳۵۷: ۱۴۵).

ذکر کرامات آن هم با این جزئیات با اصول متصوّفه تناقض دارد؛ زیرا قریب به اتفاق صوفیه مریدان خود را از ذکر کرامات یا حداقل نقل مستقیم آنها بر حذر می‌داشتند.

### – باور به جادو

مطلب دیگری که ذکر آن خالی از فایده نیست، اعتقاد به جادو در این فرقه است که مخصوصاً در کتاب از جنین تا جناز ارتباط با ارواح گرفته تا احضار روح توسط مدیوم، و حتی استفاده از میز و صفحه و فنجان که در دوران مدرن به چشم خرافه به آن نگریسته می‌شود، سخن گفته می‌شود و نویسندگان با اطمینان به این موارد استناد می‌جوید و حتی به وسیله مدیوم با پدر خود ارتباط برقرار می‌کند (عنقا، ۱۳۵۷: ۱۳۹). در حالی که هرچند در بعضی موارد، در نقل‌های مریدان صوفیه و عرفا مبالغه‌هایی از کرامات و توانایی‌های روحی دیده شده است، اما استفاده از جادو و وسایل جادوگری و بعضی الفاظ خرافی در میان عرفا و صوفیه مشاهده نمی‌شود.

### – کیمیا

کیمیا نیز یکی از تمرین‌های معنوی در میان اویسیه است (Amir Moezzi, pp. 358). در همین راستا، ایشان کتاب‌هایی با موضوعات کیمیاگری و کیمیا نیز نوشته و چاپ کرده‌اند، از قبیل اوزان و میزان، و سرّ الحجر. برای نمونه، تعریف کیمیا برگرفته از کتاب اوزان و میزان را می‌آوریم: «کیمیا در لغت، به معنی شیمی مصطلح علمی استعمال شده است، ولی مقصود اصلی قدما از علم کیمیا، انقلاب در عناصر است که با رعایت اعتدال در امتزاج، فلز را از مرتبه نقص به کمال برسانند. با توجه به همین معنی، علم صناعت به نام کیمیا خوانده شده و مواد و عوامل مؤثر فاعله آن را حجر نامیده‌اند و تدابیر و تجربیات خود را با تغییر نام‌ها و بیانات و اصطلاحات اسرارآمیز در اکثر نوشته‌های خود از نظر عوام مکتوم نگاه داشته، ولی تجربیات خود را به وسیله شاگردان میرز و محرم خود و یا با نوشته‌هایی مرموز باقی گذاشته‌اند. این همان طرز تعلیمی بود که استاد من، پدرم، حضرت مولانا المعظم میرقربالدین محمد عنقا در مورد کلیه تعلیمات خود درباره این بی‌مقدار اعمال فرمود» (عنقا، ۱۳۶۱: ۲). ظاهراً شاه-مقصود به کرات اظهار می‌دارد که یکی از فواید حاصل از حجر الفلاسفه، تجلی امام است (عنقا، سرّ الحجر، تهران، ۱۳۵۹، صص ۴۸-۵۰، ۸۱، ۱۰۵ و ۱۲۲) (Amir Moezzi, pp. 358).

**– پیر**

از ویژگی‌های مهم اویسیه جدید توجه خاص به پیر است. ولی از دید ما این عنایت و اهمیت ویژه پیر نزد ایشان با اتصاف طریقتشان به طریق اویسی چندان سازگاری ندارد. ایشان برای معرفی اقطاب در آثارشان عباراتی نظیر این عبارات را به کار می‌برند: «سلطان الحکماء المتألهین و استاد العرفاء الشامخین، مولانا حضرت میر قطب الدین محمد عنقا پیر اویسی» و یا: «واقف دوایر معارف و اسرار و کاشف سرایر عوارف و استار السید السند و الرکن المعتمد، مولانا المعظم و المؤید حضرت میر قطب-الدین محمد عنقا پیر اویسی» (عنقا، محمد، ۱۳۵۷: آغاز کتاب) و ... .

**– غلو در حق امیر المؤمنین (ع)**

این طایفه به طور خاصی به حضرت امیر (ع) ابراز وابستگی می‌کنند و می‌توان ریشه‌های عقاید را در پاره‌ای از سخنان و باورهای آنها جستجو کرد (عنقا، محمدصادق، ۱۳۵۹: ۵). اویسیه مانند دیگر سلاسل شیعی، مفهوم جهانی‌شده و گسترده‌ای از امام ارائه دادند. آنها با ایمان کامل به ظاهر و باطن به این عقیده قائل شدند که امام-انسان کامل و وجود الهی-به لحاظ خارجی و ظاهری نیز در زمان ما از طریق امام غایب تجلی یافته و به طور باطنی توسط امام در قلب پیروان جلوه کرده است (Amir Moezzi, p. 372). اویسیان امکان رؤیت امام به شکل ذاتی نورانی در مرکز نامحسوس قلب، و سپس بهره‌مندی از این تشریف سّری را نیز متذکر شده‌اند (Amir Moezzi, p. 422).

**– توجه به ادبیات و شعر**

از دیگر ویژگی‌های این طریقه توجه به ادبیات و شعر است. میر قطب‌الدین محمد عنقا شاعری خوش‌ذوق بود (نصر، ۱۳۹۲: ۴۲۲). اویسیان در بیشتر آثارشان برای اثرگذاری بیشتر بر مخاطبان کوشیده‌اند از ادبیاتی ثقیل استفاده کنند و برخی از ایشان به داشتن دیوان شعر اهتمام ورزیده‌اند. نکته قابل توجه، اشعاری است که در ستایش بی‌دریغ قطب طریقه نقل شده است (عنقا، ۱۳۵۹: ۱۰).

**– تأسیس کتابخانه**

از کتابخانه می‌توان در جهت جذب نیرو بهره برد (واحدی، ۱۳۷۵: ۱۲۸). اویسیه جدید نیز از این امر مستثنی نبوده و متولیان آن در مدت حضور خود در ایران به این مهم همّت گماشته‌اند. مثلاً صادق

عنقا خانقاه و کتابخانه‌ای در حصارک کرج بنا نهاده است ([www.safarnevvis.com](http://www.safarnevvis.com)) که متأسفانه از جزئیات آن آگاهی‌ای در دست نیست.

### – نماد خاص



نماد فوق، نمادی است که در تمام آثار مکتوب خاندان عنقا از گذشته تا به حال و حتی در صفحات مجازی و اینترنتی آنها به چشم می‌خورد. بعضی، از این نماد با نام "مهر مقدس" یاد کرده‌اند و آن را ترکیبی از دو اسم جلاله "الله" دانسته‌اند و گاه آن را دو تبرزین می‌دانند.

### – ضرب سکه

یکی از ویژگی‌های عجیب این فرقه ضرب سکه به نام خود است. متأسفانه نتوانستیم اطلاعات دقیق‌تری در مورد تاریخ ضرب یا عامل آن به دست آوریم ([www.3ekke.com](http://www.3ekke.com)). در پایان مقاله، تصاویری از این سکه‌ها آمده است.

### – پوشیدن لباس سفید در مراسم

اویسیان جدید بر پوشیدن لباس سفید توسط اعضای شرکت‌کننده در مراسم و مجالس معنوی تأکید دارند ([safarnevvis.com](http://safarnevvis.com)). این نکته با مراجعه به سایت اینترنتی مکتب طریقت اویسیه نیز قابل تأیید است.

### وضعیت فعلی اویسیه جدید (مکتب طریقت اویسی شاه مقصودی)

در حال حاضر، اویسیه جدید با نام رسمی "مکتب طریقت اویسی شاه مقصودی" در خارج از ایران مشغول فعالیت و عضوگیری است و سازمانی بین‌المللی و غیرانتفاعی نیز با همین نام دایر کرده است که انجمن‌های مخصوص به خود را برای روانشناسی صوفیانه برپا کرده‌اند. فعالان این سازمان اکنون در حال آموزش عقاید خود در برنامه‌های روانشناسی بالینی آمریکا از جمله مؤسسه انتگرال کالیفرنیا هستند و دائم کنفرانس‌های آکادمیک با عنوان "روانشناسی صوفیانه" برگزار می‌کنند (Westerlund, 2004, p.49). تعداد پیروان این طریقه گویا بیش از پانصد هزار نفر در سراسر جهان است (www.mto.org).

سایت اینترنتی MTO که مخفف مکتب طریقت اویسی است؛ در حال حاضر به صورت فعال عضوگیری می‌نماید، اما نکته مهم آن است که فعالیت‌های این طایفه در هر قالبی که قرار گرفته است، چه در ایران که حتی شامل کفبینی، رمالی و... بوده و چه در خارج از کشور با عنوان مدیتیشن و روان‌شناسی صوفیانه، در عین استفاده از مدل‌های جدید برای بیان مرام عرفانی خود، ائتلاف به اسلام، اویسی و ائمه اطهار (ع) را حفظ کرده است. این گروه هم‌اکنون در خارج از کشور در حال فعالیت، و از طریق فضای مجازی با داخل ایران و کاربران در سرتاسر جهان در ارتباط است و نشریات چاپ‌شده آنان در فضای مجازی به فروش می‌رسد. تأسیس مؤسسه روانشناسی صوفیانه ( Sufipsychology Association) و چاپ دو فصلنامه عرفان: علم روان (www.sufipsychology.com) در ساکرامنتوی کالیفرنیا نشان از پویایی این گروه دارد. در حال حاضر، از گرایش‌های سیاسی ایشان اطلاع متقن یا منبع مستند و معتبری در دست نیست. البته خروج آنها از کشور در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی بسیار قابل تأمل است، چون اندکی قبل از آن از ایران خارج می‌شوند و با عنوان "طریقت شاه مقصودی" در خارج از کشور (به‌ویژه آمریکا) به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

### نقد اویسیه ی جدید

نقدهایی بر اویسیه ی جدید می‌توان وارد کرد که از این قرارند:



- ۱- همانطور که بیان شد، یکی از ویژگی‌های مهم اویسیه ی جدید انتساب آنها به تشیع و ارادت آنان به امیرالمؤمنین (ع) است. اما این پرسش مطرح است که آیا انتساب به تشیع و باور به ولایت ائمه (ع) با اعتقاد به قطبیت و ولایت فرد دیگر قابل جمع و پذیرفتنی است؟ (واحدی، ۱۳۷۵: ۲۴۴-۲۴۵)
- ۲- یکی از موارد خلاف عرف و خارق عادت اویسیه جدید، داشتن سلسله‌اقطاب منسوب به اویس قرنی است، در صورتی که مشایخ اویسی قدیم پیر و مراد زنده نداشته‌اند و در تصوف هم نشر سلسله از طریق اویس قرنی مرسوم نبوده است. همانطور که گفته شد، نسبت دادن سلسله به اویس از جهت صحبت است نه ارشاد، و به سه دلیل امکان ندارد که وی کسی را برای دستگیری بعد از خود تعیین کرده باشد: یکی آن که او در رکاب امیرالمؤمنین (ع) در جنگ صفین شهید شده است؛ دوم آنکه از شرایط ارشاد آن است که فرد سالک مجذوب باشد، حال آن که اویس مجذوب بوده است؛ و سوم آن که برخی از مشاهیر صوفیه شجره‌ای را به اویس نسبت داده‌اند، ولی این شجره صحبت بوده است، نه شجره ارشاد (واحدی، ۱۳۷۵: ۲۴۳-۲۴۶؛ معصوم شیرازی، بی تا: ۵۱-۵۲).
- با این حال، در کتاب ملامت و ملامتیان که در خصوص پیران اویسی و در سده دهم ق نوشته شده، به رواج اویسیه به دو صورت اشاره شده است: در وهله اول، بدون پیر و از طریق تقرب جستن به پیری که در دسترس یا در قید حیات نیست؛ و در وهله دوم، سلسله‌ای موسوم به اویسیه که با نام سید محمد نور آغاز می‌شود. ولی در این کتاب در باب اینکه این سلسله شجره صحبت است یا ارشاد، ذکری نرفته است (گولپینارلی، ۱۳۷۸: ۲۷۸). در یک سلسله‌نسب، شجره این سلسله از سید محمد نور آغاز می‌شود و از طریق اویس قرنی به امام علی (ع) و حضرت محمد (ص) می‌رسد (گولپینارلی، ۱۳۷۸: ۲۷۸). سید محمد نور از ملامتیّه دوره سوم است و در سده‌های اخیر از سوی اکثر طریقت‌ها به عنوان قطب و غوث پذیرفته شده است. نام وی را می‌توان در سلسله‌های نقشبندیّه، خلوتیه، شعبانیه، اکبریّه و اویسیه دید (گولپینارلی، ۱۳۷۸: ۲۷۸).
- ۳- اگر تمام شبهات پیرامون سلسله اقطاب اویسی را به کناری نهیم، باز ایرادی بزرگ و غیر قابل اغماض به آن وارد است و آن وجود شخصیتی غیرتاریخی و موهوم به نام «روزبهان کبیر فارسی بقلی» در شجره‌النسب اویسیه جدید است. در تاریخ تصوف دو روزبهان سراغ داریم: نخست، روزبهان کازرونی مصری معروف به وزان (م. ۵۸۴ ق)، مراد شیخ نجم‌الدین کبری است (جامی، ۱۳۷۰: ۴۲۱-۴۲۲). و دیگری، روزبهان بقلی شیرازی (م. ۶۰۶ ق) از شیوخ نامدار صوفی که نام پدرش «ابونصر» و کنیه‌اش ابومحمد است و بیشتر به «شیخ شطاح» شهره است (آریا، ۱۳۶۳: ۱۸). لقب «شیخ کبیر» و یا «روزبهان

کبیر" هم برای روزبهان شیخ شطاح شیراز (بقلی شیرازی) به کار رفته و هم برای روزبهان مصری، و این دو را نباید با یکدیگر اشتباه گرفت (آریا، ۱۳۶۳: ۲۰؛ زرین کوب، ۱۳۸۵: ۲۱۹). بنابراین، فردی به نام "روزبهان کبیر فارسی بقلی" وجود ندارد و نویسنده تذکره اقطاب اویسی (باقری نمینی: ۱۳۵۳: ۱۸-۲۰) عملاً هویت دو شخص را به هم آمیخته و شخصیت جدیدی خلق کرده است. اگر نگوییم جعل، باید آن را نقص یا اشتباهی فاحش در این سلسله اقطاب در نظر بگیریم.

### نتیجه

طریقت اویسیه به دو دسته ی اویسیه ی قدیم و اویسیه ی جدید قابل تقسیم است. طریقت اویسیه مانند دیگر طریقت‌های صوفیانه تحولات و فراز و فرودهایی به خود دیده است. مبنای سلوک اویسیان قدیم بر استمداد از روحانیت و معنویت حضرت رسول اکرم (ص)، خضر (ع) و یا شیخی متوفی و با الگوپذیری از ماجرای اویس قرنی در زیارت رسول الله (ص) و عدم توفیق او و عنایات بعدی حضرت در حق ایشان قرار گرفته است. تا حدود سده‌های ششم و هفتم هجری، از افراد معدودی مشهور به اویسی سراغ داریم. سپس طریق اویسی به تدریج به عنوان یک روش طریقتی خاص و استثنایی در برخی طریقت‌ها نظیر چشتیه در شبه‌قاره رواج، و حدود سده دهم هجری با ظهور فردی به نام سید محمد نور ادامه می‌یابد. چند سده بعد- حدود صد سال پیش- کسانی از خاندان عنقا طریقه‌ای با نام اویسیه بنا نهادند، آثار زیادی نوشته و اغلب در انتشارات خود موسوم به "مکتب طریقت اویسیه" به چاپ رساندند و دست به تعلیم و تبلیغ زدند. رهبران و بزرگان اویسیه جدید کمی قبل از وقوع انقلاب اسلامی به آمریکا کوچیدند و در آنجا با استفاده از شرایط مناسب و امکانات گسترده و نیاز مخاطبان به فعالیت‌های خود ادامه دادند و همچنان- بیشتر از طریق فضای مجازی- در حال تبلیغات و عضوگیری و برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های مختلف هستند. طریقه ایشان آمیزه‌ای از میراث کهن سنت عرفان اسلامی و علوم جدید (روانشناسی، فیزیک و ...) همراه با چاشنی‌ای از جادو، کیمیا، یوگا، احضار روح و ... است. اویسیه جدید در اقدام به تأسیس سلسله‌ای تازه (با استفاده از نام اویس قرنی و با اعتقاد به قطب/ شیخ زنده که در تضاد کامل با اویسیه قدیم قرار دارد)، توجه فراوان به پیر، اظهار و تشریح کرامات (که معمولاً اصل بر کتمان آن از سوی صاحب کرامت است)، پرداختن به جادو، کیمیاگری، احضار روح و ... و غلو در حق امیرالمؤمنین (ع) قابل نقد هستند.

## منابع

- ۱- آریا، غلامعلی، (۱۳۶۳)، شرح احوال و آثار و مجموعه اشعار به دست آمده شیخ شطاح روزبهان فسایی (بقلی شیرازی)، چاپ اول، تهران: فاروس
- ۲- ابرقوهی، شمس‌الدین ابراهیم، (۱۳۶۴)، مجمع البحرین، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران: مولا
- ۳- اصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله، (۱۳۵۱ ق)، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، قاهره: بی‌نا
- ۴- بهداندنی خوافی، محمود، (۱۳۷۸)، «ملفوظات»، برگ بی‌برگی، به کوشش عارف نوشاهی، تهران: بی‌نا
- ۵- تذکره بغراخانی (تذکره مشایخ اویسیه)، (۱۳۷۶)، مؤلف نامعلوم، تصحیح محمد منیر عالم، چاپ اول، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
- ۶- جامی، نورالدین عبدالرحمان، (۱۳۷۰)، نفحات الانس، تصحیح محمود عابدی، چاپ اول، تهران: اطلاعات
- ۷- داراشکوه، محمد، (۱۳۴۴)، سکینه الاولیاء، به کوشش تاراچند و محمدرضا جلالی نائینی، چاپ اول، تهران: علمی
- ۸- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۷)، ارزش میراث صوفیه، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر
- ۹- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۵)، جستجو در تصوف ایران، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر
- ۱۰- صابری، محمدحسن، (۱۹۷۱)، تواریخ آیینة تصوف، مکتب صابریه
- ۱۱- صدقیانلو، جعفر، (۱۳۵۱)، تحقیقی در احوال و آثار سید محمد نوریخس اویسی قهستانی، چاپ اول، تهران: تابش
- ۱۲- عسگری، حسین، "عنقا، جلال‌الدین علی میرزا ابوالفضل"، دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاء‌الدین خرمشاهی و کامران فانی، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۵۵۵-۵۵۶
- ۱۳- عسگری، حسین، "عنقای طالقانی، محمد"، دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاء‌الدین خرمشاهی و کامران فانی، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۵۰۷
- ۱۴- عسگری، حسین، "عنقای طالقانی، صادق"، دائرة المعارف تشیع، دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاء‌الدین خرمشاهی و کامران فانی، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۵۰۶-۵۰۷
- ۱۵- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد، (۱۳۷۷)، تذکره الاولیاء، چاپ دوم، تصحیح محمد استعلامی، تهران: زوار
- ۱۶- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد، (۱۳۷۶)، لسان الغیب، تصحیح حسین حیدرخانی، چاپ اول، تهران: سنایی
- ۱۷- علوی طباطبایی، علیرضا، (۱۳۸۶)، فرقه اویسیه در تصوف، چاپ اول، تهران: راه نیکان

- ۱۸- عنقا، میرابوالفضل، (۱۳۴۳)، انوار قلوب السالکین - حقایق المناقب، چاپ اول، تهران: مکتب اویسی شاه مقصودی
- ۱۹- عنقا، محمد، (۱۳۵۷)، از جنین تا جنان، چاپ چهارم، تهران: مکتب اویسی شاه مقصودی
- ۲۰- عنقا، محمدصادق، (بی تا)، پدیده‌های فکر، بی جا
- ۲۱- عنقا، محمدصادق (۱۳۵۹)، زوایای مخفی حیاتی، تهران: مکتب طریقت اویسی شاه مقصودی
- ۲۲- عنقا، محمدصادق، (۱۳۵۹)، سر الحجر، تهران: مکتب طریقت اویسی شاه مقصودی
- ۲۳- عنقا، محمدصادق، (۱۳۶۱)، اوزان و میزان، چاپ اول، تهران: مکتب طریقت اویسی شاه مقصودی
- ۲۴- عنقا، محمدصادق، (۱۳۶۵)، اصول فقر و تصوف، چاپ اول، تهران: مکتب اویسی شاه مقصودی
- ۲۵- عنقا، نادرعلی، (۱۳۶۵)، کنز السلوک و رازنامه، چاپ اول، تهران: طریقت اویسی
- ۲۶- باقری نمینی، محمدقادر، (۱۳۵۳)، تذکره اقطاب اویسی، جلد اول، چاپ اول، تهران: امین
- ۲۷- گولپینارلی، عبدالباقی، (۱۳۷۸)، ملامت و ملامتیان، ترجمه دکتر توفیق ه. سبحانی، چاپ اول، تهران: روزنه
- ۲۸- مدرسی چهاردهی، نورالدین، (۱۳۶۱)، سیری در تصوف، چاپ دوم، تهران: اشراقی
- ۲۹- مدرسی چهاردهی، نورالدین، (۱۳۸۲)، سلسله‌های صوفیه در ایران، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی
- ۳۰- معصوم علیشاه، محمد معصوم بن زین العابدین، (بی تا)، طرائق الحقایق، تصحیح محمدجعفر محبوب، جلد دوم، تهران: کتابخانه بارانی
- ۳۱- نصر، سید حسین، (۱۳۹۲)، جلوه‌های معنویت در جهان اسلام (طریقه‌های عرفانی)، ترجمه فاطمه شاه حسینی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب
- ۳۲- نیسابوری، ابوالقاسم حسن بن محمد، (۱۳۴۳ ق/ ۱۹۲۴ م)، عقلاء المجانین، بسعی وجیه فارسی الکیلانی، مصر: المطبعة العربیه
- ۳۳- هجویری، علی بن عثمان، (۱۳۸۴)، کشف المحجوب، تصحیح محمود عابدی، چاپ دوم، تهران: سروش
- ۳۴- واحدی، سید تقی صالح علیشاه، (۱۳۷۵)، از کوی صوفیان تا حضور عارفان، تصحیح محمد مهدی خلیفه، چاپ اول

35-- Amir Moezzi, Mohammad Ali, (2011), *The Spirituality of Shi I Islam Beliefs and Practices*, London & New York: I. B. Tauris

36-Trimingham, J. Spencer, (1973), *The Sufi Orders in Islam*, Oxford, Oxford University Press

37-Westerlund, David, (2004), *Sufism in Europe and North America*, London & New York:Routledge Curzon

38-www.adyanuniv.com

39- www.mto.org

40- www.safarnevis.com

41-www.3ekke.com